

## فرهنگ و هویت ایرانیان کرد

مهناز ظهیری نژاد\*

### مقدمه

گُردها از اقوام بزرگی هستند که در نتیجه اتخاذ سیاست‌های استعماری به مرور زمان در میان پنج کشور ایران، عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان در منطقه خاورمیانه پراکنده شده‌اند. در این میان گُردهای ایران با دارا بودن حضایص نژادی و فرهنگی مشترک با سایر اقوام ایرانی ضمن حفظ، همبستگی و همدلی خویش با سایر هموطنان در تحولات سیاسی - اجتماعی نقش مؤثر و جدی را ایفا می‌نمایند.

در این مقاله با نگاهی گذرا به تاریخ و فرهنگ این قوم بزرگ ایرانی و با استفاده از تألیفات و تحقیقات انجام شده تلاش شده است، اطلاعاتی هرچند مختصر و کوتاه پیرامون ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گُردهای ایران و به ویژه استان کُردستان ارائه شود.

---

\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی

**کلید واژه‌ها:** آذری، آل بویه، پیرشالیار، ساسانیان، سمیتقو، سنی، شافعی، صفویه، عثمانی، عشیره، قوم، کُرد، کُردستان، کُردمانج

## الف) ویژگی‌ها و خصوصیات جغرافیایی مناطق کردنشین

### ۱- پراکندگی کردها در خاومیهانه

بخشی از ترکیب جمعیتی کشورهای ترکیه، عراق، ایران، سوریه، ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و لبنان را جمعیتی با نام قوم کُرد تشکیل می‌دهد. (۱) محل اصلی زندگی این قوم در گذشته سرزمینی واحد در غرب قاره آسیا با نام کُردستان بوده است که طی گذشت زمان با تاثیرپذیری از تحولات سیاسی - اجتماعی، تغییراتی در آن ایجاد گردیده و موجب تجزیه مناطق کُردنشین و پراکندگی این قوم در میان کشورهای مذکور شده است.

در این میان، کُردستان ترکیه وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین بخش از مناطق کُردنشین است که از خلیج اسکندرون و کوه‌های آنتی‌توروس در غرب تا مرزهای ایران و شوروی سابق (کشورهای مشترک‌المنافع) در شرق امتداد دارد. این منطقه از شمال به نواحی کوهستانی دریای سیاه و از جنوب به مرزهای سوریه و عراق (۲) محدود می‌شود و براساس آمار سال ۱۹۹۰ با وسعتی حدود ۱۹۴/۴۰۰ کیلومترمربع ۲۵٪ از تمام قلمرو ترکیه را در بر می‌گیرد. جمعیت کُردهای ترکیه را ۱۴/۵ میلیون نفر و نسبت به کل جمعیت ترکیه ۲۵٪ برآورد نموده‌اند.

مساحت تقریبی کُردستان عراق ۷۲/۰۰۰ کیلومترمربع برابر با ۱۶٪ از کل مساحت جمهوری عراق است. کُردهای عراق عمدتاً در چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک ساکن هستند.

کُردهای ایران نیز با جمعیتی برابر با ۵/۴ میلیون نفر، یعنی ۹٪ از کل جمعیت ایران به‌طور عمده در استان‌های آذربایجان غربی، کُردستان، کرمانشاهان و ایلام (پشتکوه) سکونت دارند. مساحت مناطق کُردنشین ایران برابر با ۱۲۴/۹۵۰ کیلومترمربع می‌باشد. که ۶/۷ درصد از کل مساحت ایران را تشکیل می‌دهد.

در نواحی حلب و قسمت شمال شرقی سوریه نیز کُردها سکونت دارند. منطقه کُردنشین سوریه برابر با ۱۸/۳۰۰ کیلومتر مربع است که ۱۱٪ مساحت کل سوریه را تشکیل می‌دهد. جمعیت کُردهای این کشور ۱/۴ میلیون نفر می‌باشد. (۳)

براساس آمار سال ۱۳۷۰ جمعیت کُردهای ارمنستان در حدود ۳۷/۴۸۶ نفر برآورد شده است. دو سوم این جمعیت در ایروان و بقیه در بیست و دو روستا در آلاگویز و بخش کُردی "تالین"<sup>۱</sup> سکونت دارند.(۴)

رابرت گراهام، پژوهشگر غربی، وسعت کل مناطق کُردنشین منطقه خاورمیانه را به طور تقریبی ۵۰۰/۰۰۰ کیلومترمربع و جمعیت آن را بیست و پنج میلیون نفر تخمین زده است.(۵)

اما بر طبق آمار سال ۱۹۹۰، جمعیت مناطق کُردنشین در خاورمیانه ۲۷/۶ میلیون نفر می‌باشد که در مساحتی معادل ۴۱۵/۶۵۰ کیلومترمربع پراکنده شده‌اند.

## ۲- مناطق کُردنشین ایران

کُردهای ایران به دو شکل یکجانشین و کوچ نشین زندگی می‌کنند. شرایط کوهستانی کُردستان در غرب کشور موجب شده است که طوایف این قوم با یکدیگر پیوند و وابستگی داشته باشند و به شکل عشیره‌ای و قبیله‌ای کنار هم به سر برند. قبایل و ایلات بزرگ کُرد در ایران عبارت‌اند از:

- ۱- ایل گلباغی با طایفه‌های قلقلالی، جوجه رشی کاملی، مواد گورانی و سندولی.
  - ۲- ایل جاف با طایفه‌های مکاییلی، شاکری، گلالی رخزادی، اسماعیل عزیزی، شیخ اسماعیلی، هارونی، کمالی، باشوگی، مندی، قبادی، ولدبیگی، اینافی، کلایی و ترخانی.(۶)
- هرچند قلمرو اصلی کُردها در ایران به صورت مجتمع و یکپارچه در استان‌های غربی کشور شامل استان کُردستان و بخش‌هایی از ایلام، کرمانشاه و آذربایجان غربی می‌باشد اما در عین حال در سایر نقاط ایران نیز کُردها پراکنده‌اند. برای مثال، در تهران "پازوکی‌ها"، در خراسان "نچناوندی"ها، "پاوه نور" و "زفرانلی‌ها"، در همدان عشایر "جوزکان"، در مازندران عشایر "مردانلو"، در فارس شوانکاوها (شبانکاره)، و در اراک

ایل "امباربو" و چند فرقه از عشایر لک که بسیار مهم و با نفوذند و نیز در ناحیه شمال غربی بین قزوین و گیلان عشیره "عمرلو" مستقر هستند که قبایل قرانلو، شمسکانلو، بهادرلو، شاه کولانکو و بشانلو از شاخه‌های همان عشیره‌اند. این قبایل همان گُردهایی هستند که گفته می‌شود نادرشاه افشار آنها را از خراسان به این منطقه کوچ داده است. به علاوه در لرستان، کرمان، ورامین، رودبار گیلان، خوزستان و حتی بلوچستان نیز گُردها دیده می‌شوند. (۷)

با توسعه شهرنشینی و گسترش ارتباطات در وضعیت ایلات کوچ‌نشین گُرد تغییرات جدی ایجاد شده است، به طوری که در حال حاضر اکثریت گُردهای کوچ‌رو ایران به حالت یکجانشین درآمده‌اند و در شهرها و روستاها مستقر شده‌اند. مطابق آمار موجود، چهار استان آذربایجان غربی با وسعتی برابر با ۳۷/۵۹۹ کیلومتر مربع و جمعیتی برابر با ۲/۴۹۶/۳۲۰ نفر، استان کرمانشاهان با جمعیتی در حدود ۱/۷۷۸/۵۹۶ نفر و در مساحتی معادل ۲۳/۶۲۲ کیلومتر مربع، استان ایلام با مساحت ۱۹/۰۸۶ کیلومتر مربع و جمعیتی معادل ۴۸۷/۸۸۶ نفر گُردها به صورت شهرنشین و یا روستانشین در کنار فارس‌ها، آذری‌ها و لرها زندگی می‌کنند. (۸) هرچند آمار دقیقی از جمعیت گُردها مناطق فوق در اختیار نیست اما تعداد گُردها در استان‌های فوق قابل توجه می‌باشد.

### ۳- استان گُردستان

گُردستان، قسمتی از منطقه کوهستانی غرب ایران است که از شمال به استان آذربایجان غربی و قسمتی از زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه و از شرق به همدان و قسمت دیگری از زنجان محدود می‌شود. این استان در غرب با کشور عراق هم مرز می‌باشد. (۹) مساحت استان گُردستان برابر با ۲۸/۸۱۷ کیلومتر مربع است که ۱/۷٪ از مساحت ایران را دربرمی‌گیرد. (۱۰) در گذشته علاوه بر استان گُردستان، استان کرمانشاه و قسمت جنوبی آذربایجان غربی و حتی برخی از شهرهای مرزی کشور عراق نیز جزء استان گُردستان ایران بود. (۱۱)

استان کردستان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین منطقه کردنشین ایران است زیرا اولاً غالب مردم این استان کرد می‌باشند. و ثانیاً با استان‌های کردنشین همجوار است و ثالثاً از امتیاز همسایگی با مناطق کردنشین عراق نیز برخوردار است و به همین دلیل تحولات این استان با اهمیت و مورد توجه دیگر کردها می‌باشد. سلسله جبال زاگرس که از شمال غربی به جنوب ایران کشیده شده است، با عبور از این استان  $\frac{1}{3}$  مساحت آن را پوشش می‌دهد و از شمال به جنوب بر ارتفاع این کوه‌ها افزوده و از شرق به غرب کاسته می‌شود. مهم‌ترین و مرتفع‌ترین کوه کردستان، چهل چشمه با ارتفاع ۳/۱۷۳ می‌باشد که به ارتفاع الجبال کردستان نیز معروف است. (۱۲) کوهستانی بودن کردستان تأثیراتی را بر وضعیت طبیعی این منطقه گذاشته است. زیرا با وجود واقع شدن استان در منطقه معتدل شمالی که لزوماً برخوردار از آب و هوای معتدل را ایجاد می‌کند، منطقه دارای آب و هوای سرد کوهستانی می‌باشد و تنها معدودی از مناطق مانند اطراف رودخانه قشلاق دارای زمستان معتدل و تابستانی گرم می‌باشند. (۱۳) از طرف دیگر ارتفاعات کردستان شرایط مناسب آبی را برای استان پدید آورده است. کوه‌های چهل چشمه و پنجه علی با قله همواره پوشیده از برف، سرچشمه رودهای زرینه‌رود و سیمینه‌رود است. رودهای سیروان، قشلاق، گاوهرود، گزان، چه نور قزل اوزن و قره‌سو در استان کردستان جریان دارند. در کنار این رودها مراتع سرسبز و خرم در جنوب و غرب کردستان و همچنین در شرق کردستان دشت مسطحی با ناحیه "هوه‌تو" واقع شده است. (۱۴)

## ب) خصوصیات نژادی و تاریخی قوم کرد

### ۱- نژاد کردها

پیرامون نژاد و خاستگاه کردها مباحث بسیاری صورت گرفته است. ولادیمیر مینورسکی، یکی از شرق‌شناسان، کردها را از اعقاب مادها و یک گروه قبیله‌ای ایرانی (آریایی) می‌داند که همراه فارس‌ها و پارت‌ها به داخل فلات ایران مهاجرت کرده‌اند. مادها در غرب و شمال غرب، آذربایجان، کردستان و کرمانشاه، و فارس‌ها در جنوب و

مرکز و پارت‌ها در شرق سرزمینی که ایران نام گرفت، ساکن شدند. (۱۵) هم‌چنین مسعودی در کتاب "التنبیه و الاشراف" که آن را در سال ۳۴۵ ه.ق تألیف کرده است، قوم کُرد را آریایی‌نژاد ذکر کرده که با فارس‌ها از یک نژاد هستند و در سدهٔ سی‌ام و بنا به روایت دیگری سدهٔ پانزدهم قبل از میلاد به فلات ایران مهاجرت کرده نتوانسته‌اند بر بومیان محلی غلبه کنند. (۱۶) در ارتباط با نام کُرد و کُردستان، نام کُردستان در کتیبه‌های آشوری "کاردا" ذکر شده است و گزنفون از مردمی که در کوه‌های زاگرس زندگی می‌کردند با نام کردوک<sup>۱</sup> یا کردوخی نام برده است. (۱۷) نیکتین معتقد است از نام کُرد تا قرن ۱۲ میلادی اثری نبود. تنها در زمان سلطنت سلطان سنجر آخرین پادشاه بزرگ سلجوقی بود که این ایالت توسط وی به وجود آمد. حمدالله مستوفی نخستین فردی است که در کتاب نزهةالقلوب از کُردستان نام می‌برد. از مقایسه و مطالعه منابع چنین بر می‌آید کُردستان تا قرن ۱۳ میلادی جزء ایالتی بوده که عرب‌ها آن را جبال می‌نامیدند و آن قسمت از کُردستان که بعدها جزو خاک ترکیه شد و آن قسمت که به عراق عرب (بین‌النهرین) پیوست شامل جزیه یا دیار بکر می‌شد. (۱۸)

بنا بر این نظریه‌ها، کُردها اقوام آریایی می‌باشند که در حدود پنج هزار سال پیش در نواحی فعلی که کُردستان ایران نامیده شد، ساکن شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۲- تاریخ کردها و کُردستان

### ۲-۱- تاریخ کردها قبل از اسلام

کُردها پس از سکونت و اقامت با بومیان منطقه درگیر شدند و با تسلط کامل آنها را در خود جذب کردند. مناطق کُردنشین همواره مورد نزاع بین دولت ساسانی و امپراتوری بیزانس بود. و کُردها زمانی تابع حکومت ایران و زمانی تحت حاکمیت رومیان بودند. بعد از ظهور مسیحیت گرچه ارمنی‌ها و آشوری‌ها به دین مسیح گرویدند

ولی کُردها چون بیشتر به ایرانی‌ها نزدیک بودند، از پذیرفتن آن سرباز زدند و به آیین زرتشت همچنان وفادار ماندند.

#### ۲-۲- تاریخ کُردها بعد از اسلام

کُردها که از جمله مدافعان تاج و تخت سلسله ساسانی به شمار می‌رفتند، در حمله اعراب مقاومت‌های سختی از خود نشان دادند. در واقع در زمان خلیفه دوم، عمر، بود که اعراب موفق شدند با شکست سپاه یزدگرد سوم در ناحیه حلوان (کُردستان) منطقه را به تصرف خود درآورند و با تسلط کامل بر این منطقه سوق‌الجیشی مقاومت سپاه ایران را پایان دهند. پس از آن کُردها همراه با دیگر ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند تا زمان عباسیان کُردها تابع خلفای وقت بودند و تنها پس از مرگ هارون الرشید و بروز اختلاف میان فرزندان وی (امین و مأمون) وضعیت کُردها تغییر کرد. زیرا مأمون از کُردها برای پیروزی بر برادرش کمک خواست و در مقابل کُردها دیگر تابعیتی از خلفا به عمل نمی‌آوردند. (۱۹)

در دوران آل بویه کُردهای قبیلۀ برزیکانی به وسیلۀ حسن و یح بن حسن با بدست آوردن فرمانروایی کُردستان شرقی، دینور، همدان و نهاوند را فتح کرده و حکومت حسنویه با پایتختی سرماج (نزدیکی بیستون) را تشکیل دادند. (۲۰)

هنگام هجوم ترک‌های غزنوی و پس از آن سلجوقیان، قوم کُرد هرچند مصائب زیادی را تحمل نمود اما دوران سلجوقیان از دو جهت در تاریخ کُردها مهم و مورد توجه است: نخست، نامگذاری این منطقه و ثبت آن برای اولین بار در دفاتر دیوانی با نام کُردستان است که در زمان آخرین پادشاه بزرگ سلجوقی، سلطان سنجر، بود. و دوم، ظهور دلاور کُرد "صلاح‌الدین ایوبی" می‌باشد. صلاح‌الدین با کمک نیروهای ترک و کُرد حملات سختی را بر علیه صلیبی‌ها انجام داد. پس از گذشت دوران خوارزمشاهیان که با مشکل قحطی در کُردستان همراه بود، کُردستان و سرزمین ایران دوباره مورد هجوم متجاوزان مغول و تیموری قرار گرفت. (۲۱)

## ۳-۲ تاریخ کردستان و کردها در دوران معاصر

در دوران معاصر با به قدرت رسیدن صفویان تاریخ کردستان وارد مرحله جدیدی شد. سیاست‌های شاهان صفویه که در جهت تحکیم و افزایش قدرت حکومت مرکزی و وحدت و یکپارچگی ایران اتخاذ می‌گردید، سبب بروز اختلاف میان کردها و حکومت مرکزی گردید. زیرا با رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، کردها که پیرو مذهب تسنن بودند، نسبت به حکومت مرکزی ناامید شده و در هنگام جنگ چالدران میان ایران و عثمانی که مروج مذهب تسنن بود، موضع سابق خود را که حراست از فلات مرکزی ایران در برابر عثمانی‌ها بود، کنار گذاشته و از شاهان صفوی حمایت ننمودند. جنگ چالدران با شکست سپاه ایران پایان یافت، هر چند کردها در این جنگ تقریباً موضع بی‌طرفی اتخاذ کردند اما بیشترین ضرر متوجه آنان گردید، زیرا حاکمیت ایران بر نیمی از مناطق کردنشین از میان رفت و اولین تقسیم کردستان به صورت امروزی انجام گرفت. سیاست دیگر شاهان صفوی در ارتباط با کردها، اعزام نزدیک به پانزده هزار نفر از آنان به خراسان برای جلوگیری از هجوم ترکمن‌ها بود. (۲۲) آنان با اعمال این سیاست قصد تضعیف قبایل کرد را داشتند. در هر حال در اواخر دوران صفویه تمامی مناطق کردنشین ایران به تصرف عثمانی‌ها درآمد. زمانی که افشاریان به قدرت رسیدند، عثمانی‌ها علاوه بر مناطق کردنشین ایران، آذربایجان و همدان را نیز به زیر سلطه خود درآورده بودند که با روی کار آمدن نادر از این مناطق رانده شدند.

کردها در دوران نادر به دو دسته تقسیم شدند: گروهی به حمایت از حکومت مرکزی پرداختند و گروهی دیگر نیز جانب عثمانی‌ها را گرفتند. (۲۳) این وضعیت تا زمان زندگی که خود شاخه‌ای از کردها بودند، ادامه یافت.

عملکرد شاهان قاجار موجب تغییر نگرش مردم کرد نسبت به حکومت مرکزی شد زیرا شاهان قاجار اقدام به کوچاندن کردها به سایر نقاط ایران و جایگزینی ترکمن‌ها کردند. از طرف دیگر به دلیل درگیری قاجار با دولت روسیه، مناطق کردنشین همواره با آشوب و اغتشاش همراه بود. مجموعه این عوامل سبب شد تا تفکر ناسیونالیستی در میان کردها رُشد کند.



ایدهٔ تشکیل کُردستان بزرگ، نمونه‌ای از چنین تفکراتی بود که توسط شیخ عبدالله غازی (۱۸۸۰ م) مطرح گردید. وی قصد تشکیل حکومت مستقل کُرد را داشت، هرچند از جانب عثمانی‌ها حمایت می‌شد اما با مخالفت دولت ایران روبرو گشت و پس از عدم موفقیت در اجرای این طرح، از جانب عثمانی‌ها به مکه تبعید شد. در اواخر دوره قاجاریه حرکت شورشی اسماعیل آقا سمینتقو (سمکو) رخ داد که توسط رضاخان سرکوب گردید. در سال ۱۹۱۸ میلادی عثمانی به‌عنوان یکی از متحدین تسلیم متفقین شد و قرارداد آتش بس را امضا کرد. با تضعیف دولت عثمانی، کُردهای منطقه خواهان خودمختاری و استفاده از حقوق اقلیت‌ها گردیدند و موفق شدند با حضور کشورهای اروپایی قرارداد "سِور"<sup>۱</sup> را به امضا برسانند اما این قرارداد به دلیل تجزیه امپراتوری عثمانی و تشکیل کشورهای ترکیه، سوریه و عراق و طرح دعوی از جانب ترکیه مبنی بر عدم قبول جدایی مناطق کُردنشین بی‌اثر ماند. متفقین با پذیرش خواسته‌های ترکیه و عقد قرارداد "لوزان"، اجرای عهدنامه "سِور" را به فراموشی سپردند. با تجزیه امپراتوری عثمانی، بخشی از مناطق کُردنشین تحت حاکمیت ترکیه و بخش‌های دیگری زیر نفوذ دو کشور سوریه و عراق قرار گرفت. (۲۴)

با تأسیس سلسلهٔ پهلوی کُردها با اعمال فشار در جهت تحقق سیاست قومی مبتنی بر ناسیونالیسم افراطی فارس‌گرا مواجه شدند. حکومت پهلوی با اتخاذ سیاست "همانندسازی" کوشش می‌کرد تا ضمن انکار تنوع قومی، همه اقوام را بر پایهٔ فارس‌گرایی افراطی سامان دهد. (۲۵) و این خود سبب تشدید ناسیونالیسم قومی و به دنبال آن افزایش درگیری در جهت ایجاد حکومت خودمختار در منطقه شد. این رخداد بعد از اشغال ایران توسط قوای متفقین و تبعید رضاخان به وقوع پیوست و منجر به تشکیل جمهوری خودمختار مهاباد گردید.

هرچند این جمهوری عمر کوتاهی داشت و پس از خروج نیروهای شوروی از مناطق

شمالی و تصرف آن توسط نیروهای حکومت مرکزی پایان یافت، اما کردستان با مقوله جدیدی به نام تشکیلات سازمانی قومی مواجه شد.

دومین بازتاب سیاست‌های نادرست حکومت پهلوی در مناطق کُردنشین و به‌ویژه استان کُردستان را هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می‌توان مشاهده نمود. در زمانی که اعتراضات مردمی در سراسر ایران علیه حکومت پهلوی و در جهت تشکیل دولت جمهوری اسلامی صورت می‌گرفت، کُردستان وضعیت دیگری داشت. انزجار از حکومت‌های مرکزی گذشته همراه با وجود سترها و زمینه‌های بحران‌زا موجب شد که کُردستان مأوای احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف شود. هرچند تمامی گروه‌ها و نیروها در جهت سرنگونی رژیم پهلوی عمل کردند اما پس از پیروزی انقلاب، شرایطی پدید آمد که باعث درگیری‌هایی در کُردستان و سرایت آن به سایر مناطق کُردنشین به‌خصوص آذربایجان غربی گردید.

در هنگام تشکیل دولت موقت، استان کُردستان با سه مسأله روبرو بود: ۱- ناسیونالیسم شدید قومی در منطقه ۲- مسأله شیعه و سنی ۳- مسأله کُرد و ترک رشد ناسیونالیسم قومی در منطقه، چنان‌که پیش‌تر گفتیم، نتیجه عملکرد پادشاهان ایران در طول پانصد سال که از تقسیم کُردستان می‌گذرد، بود، عدم توجه به نیازها و مطالبات کُردها سبب شد در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب و عدم تثبیت قدرت مرکزی ناسیونالیست‌های کُرد در کنار سوسیالیست‌ها فرصت را غنیمت شمرده و ضمن مخالفت با همه پرس‌رسی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ (جمهوری اسلامی)، خواستار اعلام خودمختاری در کُردستان شدند.

دومین عامل درگیری در کُردستان که سبب ایجاد فاصله میان کُردها با دولت جمهوری اسلامی شد، مسأله شیعه و سنی بود. رسمیت یافتن مذهب شیعه در دوران صفویه، عامل ناامیدی کُردها از دولت مرکزی بود اما این عامل اصلی درگیری بین مردم کُرد و حکومت مرکزی نبود.

در زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی برخی از رهبران اهل سنت

کُردستان خواستار حذف اصل مربوط به رسمی بودن مذهب شیعه در ایران گردیدند که با آن موافقت نشد. (۲۶)

اما مسأله سوم، موضوع ترک و کُرد بود. با شدت یافتن اختلافات میان نیروهای سیاسی کُردستان با دولت جمهوری اسلامی، نیروهای فوق اقدام به حمله به پادگان‌های ارتش و ژاندارمری در مناطق کُردنشین کردند. این امر موجب گسترش درگیری‌ها به شهر نرده در آذربایجان غربی گردید. زیرا ترکیب جمعیت این شهر از لحاظ حساسیت‌های قومی، مهم بود. هشت هزار نفر از جمعیت آن کُرد و اهل سنت و دوازده هزار نفر آن آذری و اهل تشیع بودند. ورود نیروهای سیاسی از استان کُردستان به این شهر باعث بروز اختلاف میان ترک‌ها و کُردها شد که با خسارات زیادی نیز همراه بود. نیروهای سیاسی خواهان خروج آذری‌ها از شهر نرده و یا همراهی با آنان بودند. (۲۷) با توجه به مسائل فوق دولت موقت هیأتی را به ریاست داریوش فروهر به منطقه اعزام کرد. از طرف دیگر امام(ره) طی پیام‌هایی مردم کُردستان و آذربایجان را به آرامش و صلح دعوت می‌نمود.

مذاکرات ابتدایی بین هیات حسن نیت و هیات نمایندگی خلق کُرد موقتاً منجر به آتش‌بس شد اما با ادامه مذاکرات توافقی حاصل نشد و منطقه برای بار دیگر دچار آشفتنگی شد. این وضعیت در سال ۱۳۶۱ با ورود نیروهای دولت جمهوری اسلامی و با به کنترل درآوردن اوضاع منطقه پایان یافت.

نفوذ و اغتشاشات گروه‌های سیاسی رانده شده از ایران به عراق در تشدید بحران در کُردستان نقش زیادی داشت، به طوری که در طول جنگ تحمیلی ایران و عراق، گروه‌های فوق اقدام به اخلاف و تحریک مردم منطقه بر ضد حکومت مرکزی می‌نمودند. به همین سبب مردم کُردستان از بابت جنگ ایران و عراق خسارات بسیاری را متحمل شدند، هرچند علی‌رغم تمام مشکلات، آنان در کنار هموطنان ایرانی خویش درمقابله با نیروهای متجاوز باقی ماندند.

در سال ۱۳۷۵، با توجه به تغییراتی که در فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور

حاصل شد، کُردستان نیز از تحولات موجود تأثیر گرفت و تغییراتی بدین صورت در آن به وقوع پیوست:

- ۱- فراهم شدن زمینه بهتر برای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
- ۲- مشارکت بیشتر کُردها در عرصه‌های سیاسی کشور و برگزیده شدن تعدادی از نیروهای تحصیلکرده و علاقه‌مند بومی به پست‌های مدیریتی استان‌های کُردنشین
- ۳- برگزاری انتخابات ششمین دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی در فضای بهتر و آزادتر (۲۸)

تحولات فوق در پر کردن شکاف میان مردم کُرد و دولت، هم‌چنین تحقق خواسته هموطنان کُرد که افزایش مشارکت در تمامی سطوح بود، موثر واقع گردید.

پس از سال‌ها آرامش و امنیت در مناطق کُردنشین، در اوایل اسفند ۱۳۷۷ مجدداً دو شهر سنندج و ارومیه دستخوش آشوب‌های شهری شد این شورش در همدردی با کُردهای ترکیه و به بهانه دستگیری عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران کُردستان ترکیه موسوم به پ.ک.ک به وقوع پیوست. البته نقش تحریک کننده برخی از عناصر داخلی و جناح‌های رقیب و دخالت بیگانگان به‌ویژه ورود عده‌ای از کُردستان عراق به سنندج در این تحرکات انکارناپذیر است. (۲۹)

در حال حاضر مناطق کُردنشین، به‌خصوص استان کُردستان به لحاظ اتخاذ تدابیر مناسب از شرایط سیاسی و امنیتی نسبتاً مطلوبی برخوردار است و در سایه این شرایط امکان رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی و همدلی میان شهروندان کُرد و دولت جمهوری اسلامی فراهم می‌باشد.

### ج) ساختار سیاسی - اجتماعی

از خصوصیات اصلی ساختار اجتماعی جامعه کُرد ساخت طایفه‌ای یا "عشیره‌ای" آن است. درک‌کنان این خصوصیت را در کتاب "کُرد و کُردستان" بدین‌گونه توصیف می‌کند:

«در کُردستان [عشیره اتحادیه یا کنفدراسیونی از قبایل است که بر آن

رئیس واحدی فرمان می‌راند. عشیره از تیره به وجود آمده است که خود همان گروه سیاسی و زمیندار اولیه است که اعضای آن نیای پدری مشترکی دارند. "تیره" منقسم است به "خیل" که خود مجموعه‌ای است از خانوارهایی که در یک روستا یا یک در مجموعه چادر زندگی می‌کنند. اعضای "خیل" همه از اخلاف نیای پدری مشترکی هستند که خود از اعقاب پدری است که بنیانگذار تیره است. در راس هر خیل یا تیره یا عشیره "آغا" یا "بیگ" قرار دارد. آغای رئیس تیره در درون دستگاه اقتصادی و سیاسی تیره از نفوذ و حکم فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بعد از آغاها، شیوخ قرار دارند که قدرت و نفوذشان گاه از قدرت و نفوذ آغاها بیشتر است. این لفظ یعنی شیخ در میان کُردها به معنای حکم و اقتدار نیست بلکه مفهوم رهبری مذهبی است که بیشتر اوقات در یکی از اشکال درویشی جلوه می‌کند.» (۳۰)

حاکم بودن نظام عشیره‌ای باعث به‌وجود آمدن فاصله میان مردم کُرد با حکومت‌های مرکزی گردیده است. در واقع آغاها تعیین‌کننده وضعیت قوم در ارتباط با حکومت مرکزی و همچنین دیگر قبایل بوده‌اند. (۳۱)

در دوران صفویه با کوچاندن کُردها و تضعیف سران قبایل و در زمان پهلوی با طرح اسکان عشایر و اصلاحات ارضی و همچنین با ایجاد سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی قدرت ایلات و عشایر تضعیف گردید. در حال حاضر به موازات تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ساختار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه قومی کُرد نیز دگرگون شده است.

یکی از علل تغییر در ساختار سیاسی کُردستان را باید در ظهور و رشد گروه‌های سیاسی در منطقه جست‌وجو کرد. زیرا مناطق کُردنشین و به‌خصوص استان کُردستان مأوای تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی متعددی است که مخالف دولت مرکزی بوده‌اند. تعدادی از گروه‌های فوق با توجه به محرومیت منطقه با طرح شعارها و خواسته‌های مردم در قالب برنامه سیاسی خویش، سعی در جذب نیروی جوان منطقه

نمودند. قدرت یافتن گروه‌های فوق همراه با تقویت و تثبیت نفوذ حکومت مرکزی، منجر به کاهش قدرت نظام سنتی در جامعه کرد گردید.

گسترش شهرنشینی، یکی دیگر از عوامل اصلی این تغییرات است. بر طبق آمارهای سال ۱۳۷۵ در استان‌های کُردنشین مانند آذربایجان غربی درصد رشد سالانه شهرنشینی ۳/۸۳٪، در کرمانشاهان ۲/۹۴٪ و استان ایلام ۵/۱۸٪ می‌باشد. همچنین در استان کُردستان بر طبق آمار سال ۱۳۷۵ از کل جمعیت ۱/۳۴۶/۳۸۳ نفری استان ۵۲/۴ درصد شهرنشین بوده‌اند، این در حالی است که نسبت شهرنشینی در این استان در سال ۱۳۶۵ (با جمعیتی برابر با ۱۰۷۸۴۱۵ نفر) ۳۹/۷٪ و در سال ۱۳۴۵، ۱۶/۵٪ بوده است.

از طرف دیگر بررسی آمار مهاجرت‌های انجام شده در استان کُردستان نشان از افزایش مهاجرت از روستا به شهر دارد؛ به طوری که در فاصله سال‌های ۶۵ تا ۷۵ از مجموع ۲۴۳/۹۰۹ نفر مهاجرت انجام گرفته در این استان ۴۷/۰۹٪ از مهاجران از روستا به شهر آمده‌اند. در حال حاضر اغلب جمعیت شهرنشین کُردستان در شهرهای سنندج، بانه، سقز، مریوان، بیجار و قروه ساکن هستند.

با وجود مهاجرت‌های روستایی بسیاری که در این استان اتفاق افتاده است، رقم جمعیت روستانشین در استان کُردستان قابل توجه است، تا جائیکه روستاها حدود ۴۵٪ از جمعیت استان را در خود جای داده‌اند. (۳۲)

#### د) اقتصاد کُردستان

اقتصاد استان کُردستان بر پایه دو بخش کشاورزی و صنعت قرار گرفته است. با توجه به موقعیت طبیعی منطقه فعالیت‌های کشاورزی و دامداری نقش مهمی در زندگی مردم کُردستان دارد. کشاورزی در استان کُردستان به دو صورت کشت آبی و کشت دیم انجام می‌گیرد. این استان در زمینه تولید گندم در کشور دارای اهمیت خاصی می‌باشد. علاوه بر گندم، جو، نباتات، دانه‌های روغنی و همچنین انواع صمغ مانند مازوج، سقز، انواع مرکبات، چوب و گیاهان دارویی در استان تولید می‌شود.

هرچند این استان به لحاظ استعدادهای بالقوه در زمینه کشاورزی می‌توانست موفق‌تر عمل کند اما عدم پیشرفت در این زمینه و وجود سیستم سنتی در کشاورزی باعث گردید تولیدات کشاورزی کاهش پیدا کند. (۳۳) از طرف دیگر با وجود مراتع سرسبز، به دلیل بی‌توجهی به وضعیت بهداشتی منطقه، دامداری نیز با مشکلات بسیاری روبرو می‌باشد و از میزان تولیدات لبنی، گوشت، دام، طیور، پشم و چرم نیز کاسته شده است. افول بخش کشاورزی نیز به دلیل عدم توسعه صنعتی استان - می‌باشد.

توزیع نامتعادل بودجه در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، سبب ضعف صنعت استان گردید. از طرف دیگر بروز جنگ تحمیلی و بحران‌های سیاسی سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی موجب شد توجه چندانی به توسعه صنعتی این استان نشود. از این‌رو صنعت کُردستان با وجود معادن عظیم شناخته شده و به‌خصوص در زمینه سنگ و نخایر آهن رشدی پیدا نکرده است. در رابطه با عدم توسعه نیافتگی بخش صنعت در کُردستان عوامل متعددی را می‌توان برشمرد که عبارت‌اند از:

#### ۱- کمبود یا فقدان امکانات زیربنایی

۲- پایین بودن درآمد سرانه به دلیل ضعف بنیان‌های اقتصادی و نداشتن قدرت کافی برای پس‌انداز و در نتیجه کمبود پتانسیل سرمایه‌گذاری

۳- تمرکز سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در مناطقی مانند تهران، اصفهان و دیگر مناطق نزدیک به مرکز که باعث مهاجرت و انتقال عوامل تولید، به‌ویژه نیروی انسانی ماهر و متخصص، از کُردستان به استان‌های توسعه یافته شد. به‌طوری‌که در برنامه اول اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور (۷۲-۱۳۶۸) ۸۰٪ اعتبارات به سه استان اصلی کشور اختصاص یافت و استان کُردستان هیچ سهمی از اعتبارات ملی را در این فصل نداشت و در مقابل ۱۹٪ از اعتبارات استانی صنایع به استان کُردستان اختصاص یافته است. (۳۴)

با بررسی شاخص‌های توسعه صنعتی (تعداد کارگاه‌های بزرگ صنعتی، ارزش تولیدات کارگاه‌ها و تعداد کارکنان کارگاه‌ها) در میان استان‌های ایران طی حدود یک دهه

(از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳) وضعیت استان کُردستان در این زمینه نیز نه تنها بهبود نیافته بلکه اوضاع اقتصادی آن تا حدودی پس رفت داشته است و چنان که استان کُردستان از نظر محرومیت رتبه ۸ را در بین استان‌های کشور دارد. این در حالی است که میزان اعتبارات در نظر گرفته شده در زمینه‌های اقتصادی بیانگر بی‌توجهی نسبت به این مشکل است. (۳۵) هرچند طی دو سال اخیر دولت یک‌وونیم برابر گذشته در بخش صنعت در استان کُردستان سرمایه‌گذاری کرده است اما این رقم نمی‌تواند عقب‌ماندگی‌های بخش صنعت و معدن را در این استان را جبران کند.

یکی از دلایل نارسایی‌های اقتصادی استان کُردستان، عقب‌ماندگی در صنعت و نارسایی در بخش خدمات می‌باشد زیرا با وجود اهمیتی که بخش خدمات و ارتباطات در هر جامعه‌ای برای ادامه حیات و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد، در استان کُردستان چندان توجهی به آن نشده است. البته این به معنای نادیده گرفتن تلاش‌هایی که در این رابطه صورت گرفته نیست. برای مثال احداث راه‌های شوسه و پایانه‌های متعدد و گسترش فرودگاه سنندج بخشی از فعالیت‌های عمرانی منطقه را در سال‌های اخیر تشکیل می‌دهد.

فقر اقتصادی کُردستان سبب بروز معضل بیکاری در استان گردیده است و این مشکل نیز ایجاد شغل‌های کاذب و از طرف دیگر افزایش مهاجرت‌های نیروهای جوان را در پی داشته است.

#### ه) ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی

##### ۱- زبان و خط کُردی

محققان با مطالعه در زبان کُردی به این نتیجه رسیده‌اند که این زبان شاخه‌ای از زبان آریایی است که از لحاظ ساختمان و ترکیب اصلی، تعریف و شکل افعال با تمام زبان‌های آریایی مشابهت و نزدیکی دارد. هرچند در زبان کُردی نوع افعال و مصدر و تعریف آن با زبان فارسی و پهلوی و سایر زبان‌های قدیم و محلی ایران تفاوت دارد اما



این تفاوت به اندازه‌ای نیست که زبان کُردی را از خویشاوندی و وابستگی با دیگر زبان‌های ایرانی جدا سازد. (۳۷) از مشخصات برجسته این زبان سلامت و روانی و عدم اختلاط زیاد آن با زبان‌های غیر ایرانی می‌باشد. با این وجود در اثر ارتباط با ترک‌ها و عرب‌ها در فاصله زمانی بسیار طولانی، معدود لغات ترکی و عربی وارد این زبان شده است. در "تحفه ناصری" در رابطه با شاخه‌های زبان کُردی آمده است: "به‌طورکلی زبان کُردی چهار شاخه اصلی دارد که هر کدام دارای گویش‌های فرعی متعددی هستند. این گویش‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- شاخه کرمانج شمال: طوایف ایرانی که به این گویش تکلم می‌کنند، عبارت‌اند از: طوایف هرکی، میلان، شکاک جلالی، حیدری در مناطق شمالی و آذربایجان غربی
- ۲- شاخه کرمانج جنوب: قسمت اعظم کُردهای ایران و بین‌النهرین عراق به این لهجه صحبت می‌کنند و تقریباً زبان عمومی و رایج کُردی به شمار می‌رود. کُردهای ایران از جنوب دریاچه ارومیه تا مغرب ناحیه کرمانشاهان به آن تلکم می‌کنند. این شاخه از زبان کُردی دارای سه گویش فرعی است: الف) گویش کرمانج عراق ب) گویش کرمانج مسکری (مهاباد سردشت) ج) گویش کرمانج کُردستان
- ۳- شاخه کرمانشاهی: گویش غالب عشایری است که در ناحیه کرمانشاهان زندگی می‌کنند. این گویش دارای ویژگی‌های خاصی است که با گویش‌های شمالی اختلاف دارد. این گویش سابقاً تنها گویش ایل کلهر و زنگنه بوده است ولی امروزه عشایر گوران، سنجابی، کلهر و سایر طوایف و اهالی بین کنگاور تا قصرشیرین و از روانسر تا ایلام به این گویش تکلم می‌کنند. در حقیقت این گویش را باید زبان کُردان شیعی مذهب و اهل حق دانست. زیرا در اغلب دهات به‌خصوص در دهات غربی کرمانشاه سنی مذهب‌بان به گویش کرمانجی و شیعی مذهب‌بان به گویش کُردی کرمانشاهی تکلم می‌کنند.
- ۴- شاخه لورلانی و گورانی: این گویش یکی دیگر از شاخه‌های زبان کُردی است. تعدادی از شعب فرعی این گویش به قرار زیر است: زازا، اورامان تخت، اورامان لهون، ژاورود، پاوه و قسمتی از جوانرود، گورانی و گویش گهواره‌یی قدیم. (۳۷)

در رابطه با خط کُردی گفته می‌شود کُردها در زمان به وجود آمدن خط میخی مانند پارسی‌ها از آن خط در نوشته‌های خود استفاده می‌کردند و بعد از ظهور و گسترش اسلام حروف میخی متروک گشت و خط کوفی جایگزین آنها شد. متعاقب خط کوفی، خط نستعلیق هم در میان کُردها مرسوم گشت. اکثر نوشته‌های کُردی در گذشته به دو زبان فارسی و عربی می‌باشد. (۳۸) اما در رابطه با ادبیات کُرد آن‌چه مسلم است این است که اساس ادبیات کُرد را سنن قدیمی، اعتقادات مذهبی و ملی و رسوم و آداب ایلی، مبارزه با دشمنان خارجی و اشغالگران بیگانه تشکیل می‌دهد. از آغاز قرن یازدهم میلادی علی حریری در شمیرینان به زبان کُردی مطلب می‌نوشت. فاصله زمانی بین قرن‌های دوازدهم تا پانزدهم میلادی گروهی از شعرای کُرد از پی هم آمدند که در این میان از همه برجسته‌تر و توده پسندتر "احمد جزیره‌ای" بود که به سبک غنایی بی‌بدیل می‌سرود و "احمد خانی" که به حق فردوسی کُرد نامیده می‌شد، توانسته است احساسات کُردها را در زیباترین و رساترین بیان بازگو کند. (۳۹)

ویلچفسکی در این رابطه متذکر می‌شود که ادبیات کُرد از همان لحظه تولد در صد تثبیت شخصیت و استقلال خود در برابر خواهر بزرگترش، یعنی ادبیات فارسی بوده و در مسئله ارث بردن از گرایش‌های غیر قالبی کلاسیک فارسی در عصر جدید، یعنی دوران اسلامی، حق کمتری برای خود قایل نیست و در ابتدا دیدیم که ادبیات کُردی در واقع راه شعرای نوآوری چون مولانا جلال‌الدین رومی و یا راه عرفان لهجه‌ای باباطاهر را دنبال کرده است. (۴۰)

## ۲- آموزش

شمار کُردانی که در علوم و فنون جدید و حقوق و مدیریت آموزش می‌بینند در سرتاسر کُردستان رو به افزایش است، هرچند این روند آهسته می‌باشد. اما آثار آن پیوسته بر بافت زندگی کُردان راه می‌یابد. در گذشته بیشتر کُردهایی که از امکانات آموزشی بهره‌مند می‌شدند، از دامان خانواده‌های مرفهی برمی‌خاستند که خاستگاه

عشیره‌ای و قبیله‌ای داشتند در واقع تحصیلات بیشتر خاص فرزندان خوانین و فتودال‌ها بود. (۴۱)

هرچند مدارس قدیمه همیشه در ولایات کُردستان زیاد بوده است لکن همه این موسسات آموزشی تنها مدارس حرفه‌ای بوده و در آنها به شاگردان فقط تعلیمات دینی و معلومات لازم برای اجرای فرایض از قبیل نماز، قرائت قرآن، تفسیر قرآن، آموزش شرعیات داده می‌شد. (۴۲)

کمبود مدارس دولتی، متفاوت بودن زبان کُردی با زبان رسمی و عدم آموزش زبان کُردی در مدارس از جمله مسائلی است که حل آن به بهبود فضای آموزشی این منطقه کمک می‌رساند. آمار به دست آمده در رابطه با سطح بی‌سوادی در استان کُردستان قابل تأمل می‌باشد. در اواخر دوران حاکمیت پهلوی در شهرهای استان کُردستان ۶۵٪ و در روستاها ۸۵٪ از مردم بی‌سوادی بوده و در واقع حدود ۷۰٪ از کل جمعیت استان از امکانات آموزش برخوردار نبودند. در طول سال‌های بعد از انقلاب در جهت رشد و توسعه سوادی آموزشی اقداماتی توسط دولت جمهوری اسلامی در کُردستان به عمل آمد و حتی تعدادی دانشگاه در شهرهای کُردستان تأسیس گردید. به نحوی که با مراجعه به آمارها، رشد قابل ملاحظه‌ای در این زمینه نسبت به گذشته دیده می‌شود. به عنوان نمونه در سال ۱۳۷۵ در گروه سنی ۱۴-۶ سال ۹۱/۵۹٪ و در گروه سنی ۱۵ ساله و بیشتر ۵۶/۸۹٪ رشد دیده شده است اما در عین حال این استان برای رفع مشکل بی‌سوادی نیاز به برنامه‌ریزی صحیح و دقیق و صرف بودجه‌های بیشتر دارد. فقر و محرومیت حاکم بر منطقه سبب شد که این استان از نظر پایین بودن سطح سوادی بعد از استان‌های سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی (۴۳)، رتبه سوم را در سال ۷۵ در کشور داشته باشد. یعنی سومین استان از نظر پایین بودن سطح سوادی (۴۴) این در حالی است که وضعیت سوادی و آموزش در میان زنان وخیم‌تر و ناامید کننده‌تر از مردان می‌باشد. هرچند آمار صحیحی در این زمینه در دست نیست اما با توجه به این امر که در شرایط محرومیت و عدم رشد و توسعه، زنان بیش از مردان آسیب‌پذیرترند، می‌توان به موقعیت زنان در این استان پی برد.

## ۳- مذهب

قبل از اسلام آیین مردم کُرد همانند سایر نقاط ایران، آیین زرتشتی بوده است. وجود بقایای پرستشگاه‌ها و آتشکده‌های متعدد در کُردستان از جمله آتشکده آذرگشسب و انجام برخی مراسم عزاداری یا آوازخوانی مثل 'هوره' که در زمان زرتشت با آن آهنگ، خدای یگانه را ستایش می‌کردند، دال بر وجود این آیین در منطقه کُردستان است.

پس از ورود اسلام، قوم کُرد همراه با سایر ایرانیان این دین را پذیرا شدند و مذهب تسنن را برگزیدند. اغلب مردم کُردستان پیرو امام شافعی می‌باشند و مذهب شافعی یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی - مالکی - حنبلی - شافعی) می‌باشد که ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی (۲۴۰ - ۱۵۰ ه.ق.) بنیانگذار آن بود. ادله احکام از نظر امام شافعی عبارت‌اند از:

۱- کتاب ۲- سنت ۳- اجماع ۴- آراء صحابه ۵- قیاس

امام شافعی با اینکه خود دارای مکتب فقهی و اصولی بود، تمایل زیادی بر تشیع داشت و به آل علی (ع) علاقه فراوانی ابراز می‌کرد و یکی از دوستداران آنها بوده است. در واقع مذهب شافعی در مسائل فقهی به مذهب جعفری (شیعه) نزدیک‌تر است و شاید همین نزدیکی و تقرب به تشیع علوی باشد که باعث شده امروزه مذهب اکثریت قبایل کُرد در ایران مذهب شافعی باشد. (۴۵)

مسلمانان کُردستان اعتقاد زیادی به قول و فعل مشایخ دارند و اکثریت تابع مسلک درویشی نقشبندی و قادریه هستند که مرکزشان در اورامان، مکرری، سلیمانیه، شمیرنان و خویوت است. بنیانگذار فرقه نقشبندی محمد نقش‌بندی بخارایی از عرفای معروف صفویه است که در سال ۷۱۷ ه.ق. در توابع بخارا متولد و در سال ۷۹۱ ه.ق. فوت نمود. این فرقه معتقد است که باید از قیل و قال پرهیز کرد و عرفان و وصول به حق را در تفکر و سکوت جست‌وجو کرد. فرقه دیگر یعنی قادریه توسط شیخ عبدالقادر گیلانی (۴۷۰ ه.ق.) بنیان گذاشته شد. این گروه اعتقاد دارند وصول به حق و درک حقیقت و صفای روح را باید در قیل و قال و سماع و جنبش یافت. (۴۶)

یکی دیگر از فرقه‌های مذهبی در کُردستان "اهل حق" می‌باشد. مسلک این فرقه مجموعه‌ای از آراء و عقاید ویژه‌ای است که تحت تأثیر افکار زرتشتی، مسیحی و مانوی با افکار و فلسفه غلاة در هم آمیخته و شکل خاصی به خود گرفته که آن را از سایر مذاهب اسلامی جدا کرده است. مینورسکی، ایران‌شناس، در این باره می‌نویسد:

«مذهب اهل حق روی عقیده غلاة شیعه بنا شده و با مذهب تناسخ و تصوف در آمیخته و به شکل آئین مخصوص ظهور کرده است. از ویژگی‌های این مسلک رعایت سه اصل "پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک" است که اجرای آن بر اهل حق واجب است.» (۴۷)

با وجود فراگیر بودن دین اسلام، در میان عشیره‌های کُرد هنوز پیروان آیین‌های قبل از اسلام مانند یزدیه - صارلی - فرقه شبک و فرقه بجوران دیده می‌شود. (۴۸)

#### ۴- آداب و رسوم

قوم کُرد همانند سایر اقوام دارای آداب و سنت‌های دیرینه‌ای هستند که علی‌رغم تهاجم و فشارهایی که از سوی بیگانگان در جهت محو این سنت‌ها صورت گرفته، همواره این آداب و سنت‌ها، اخلاقیات فردی و اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل قوام کُردها عمل کرده است. کُردها دارای ویژگی‌های اخلاقی برجسته‌ای هستند که از جمله این ویژگی‌ها شجاعت، پایمردی، ساده‌دلی و پاک‌طینتی آنها است. جنگجویی و سلحشوری یکی از خصوصیات اخلاقی بارز کُردها است، کُردها نوزادان (چه دختر و چه پسر) را به سلحشوری عادت می‌دهند. مثلاً نیزه بازی و تیراندازی و اسب سواری را به ایشان یاد می‌دهند. (۴۹)

از دیگر ویژگی‌های مربوط به کُردها لباس مخصوص آنان می‌باشند، مردان به جای کلاه، پارچه‌ای بر سر می‌بندند و شلوار گشاد با مچ تنگ که متناسب با سوارکاری می‌پوشند. از شال پارچه‌ای بجای کمربند که اغلب به چند متر می‌رسد، استفاده می‌کنند. لباسهایشان متناسب با وضعیت جغرافیایی آنها تهیه می‌گردد. در تابستان‌ها از کفشی

به نام کلاش یا "گیوه" که در محل تهیه می‌شود، استفاده می‌کنند و در زمستان کفش موزه چرمی به نام (کاله) می‌پوشند. لباس زنان کُرد از شلوار که در پایین پا، چین خورده و یک پیراهن که از سر تا پایین پا را می‌پوشاند و شال کمر و کلاف سر نیز با استفاده از پارچه‌های لطیف و گل‌دار تهیه می‌شود. (۵۰)

آداب و رسوم در میان قوم کُرد نشأت گرفته از دو دوره است: دوره قبل از اسلام و دوره بعد از اسلام.

#### الف) دوره قبل از اسلام

یکی از مراسم خاص باز مانده از دوران زرتشت، مراسم پیر شالیار (شهریار) است. آرامگاه پیر شالیار که یکی از قدسیان زرتشتی می‌باشد، در اورامانات تخت هر ساله پذیرای مهمانانی می‌باشد که برای شرکت در مراسم بزرگداشت پیر بدانجا می‌آیند. در این مراسم پس از سرودن اشعاری در وصف پیر، رقص عرفانی همراه با موسیقی کُردی انجام می‌گیرد. (۵۱)

از دیگر رسوم به جا مانده از دوران زرتشتی در میان کُردان شمالی ایران جشنی به نام جشن کُردی می‌باشد که مراسم مخصوص به یاد رفع ستم ضحاک (۵۲) و گرفتاری او به دست کاوه و بر تخت نشاندن فریدون به جای وی بر پا می‌گردد. بعد از اسلام برای اینکه این رسم با مذهب جدیدشان هماهنگ و خوشایند باشد، جشن مزبور را به نام خضر نبی خوانده‌اند. چون حضرت خضر در ساعات سخت و دشوار به یاری درماندگان می‌شتابد و گویا در آن جنگ نیز به کمک کوران شتافته است و آنان را از وجود ضحاک رهایی بخشیده است. (۵۳)

در ارتباط با اعیاد باستانی، کُردها همانند سایر مردم ایران در عید نوروز به جهت دگرگونی و تحول در طبیعت مراسمی مشابه با دیگر نقاط ایران، مانند دید بازدید، پذیرایی با شیرینی و میوه و رنگ کردن تخم‌مرغ برپا می‌کنند. با این تفاوت که عید نوروز میان شیعیان کُرد نسبت به اهل سنت با شکوه‌تر برگزار می‌شود و دارای اهمیت بیشتر می‌باشد.

### ب) رسوم پس از اسلام

کُردها برای رسوم و اعیاد مذهبی مانند عید قربان، عید غدیر خم، عید فطر و به خصوص میلاد حضرت رسول اکرم(ص) ارزش بسیاری قایل هستند و مراسم باشکوهی را برگزار می‌کنند. این مراسم به شکل عالی و همراه با موسیقی مذهبی خاص در تمام نقاط استان برگزار می‌شود. اعیاد مذهبی در میان اهل سنت نسبت به اعیاد سنتی دارای ارزش والاتری می‌باشد.

### ۵- موسیقی کُردی

موسیقی کُردی یکی از ویژگی‌های بارز قومی - فرهنگی کُردها می‌باشد. طراوات و شادابی، فضای عرفانی و در آمیختگی مضامین با تاریخ گذشته کُردها از خصوصیات اصلی این نوع موسیقی است. این خصوصیات در بعضی موارد ارتباط تنگاتنگی با افکار و باورهای تاریخی مذهبی قوم کُرد دارد. آهنگ هوره را می‌توان نمونه بارز این موسیقی به حساب آورد که همان نیایش اهوراست و ظاهراً به همان شیوه اجرایی اولیه خود نیز باقی مانده است. آلاتی که در موسیقی کُردی مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: دَف، شمشال، سروناز، قیچک انبان (در موسیقی مذهبی) و توزهله - دهل. شاید بتوان گفت در تمامی اعیاد و مراسم کُردی، موسیقی جایگاه ویژه خود را دارا می‌باشد. (۵۴)

### نتیجه‌گیری

مجموعه تحولات مناطق کُردنشین ایران را باید با توجه به ویژگی‌های موجود همچون موقعیت طبیعی، جغرافیایی، نظام قبیله‌ای، مذهب و شرایط اقتصادی و فرهنگی آن در تعامل با حکومت مرکزی بررسی نمود.

موقعیت جغرافیایی استان موجب مرزنشینی و هم‌نژادی با مردم کُرد کشورهای همجوار عراق و ترکیه شده است. به‌گونه‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش میزان تأثیرپذیری و همسویی با تحولات مناطق برون مرزی باشد. وجود احزاب کُرد با اهداف

و سیاست‌های متفاوت در دو کشور فوق، عامل بسیار قوی در برابر عدم حضور موفق حکومت مرکزی و ناتوانی در جذب مردم منطقه می‌باشد.

از سویی دیگر ناکارآمدی حکومت‌های مرکزی در گذشته در مناطق کُردنشین به‌عنوان عامل مهمی در تشدید احساسات قومی در تاریخ کُردستان بوده است. در سال‌های اخیر انجام اصلاحات و فراهم شدن شرایط مناسب سیاسی و فرهنگی، نقش مؤثری در جذب علایق و دلبستگی هم‌میهنان کُرد نسبت به جمهوری اسلامی داشته است. هرچند مطرح کردن تفاوت‌های، مذهبی و دامن زدن بر اختلافات میان شیعه و سنی در جهت رویارویی مسلمانان کُرد با سایر مسلمانان نقاط کشور موجب بروز شکاف در جامعه اسلامی ایران خواهد شد. ولی بیش از شرایط نامساعد اقتصادی منطقه و نیز نارسایی‌های آموزشی می‌توانند ناسازگاری اجتماعی را در کُردستان دامن بزنند.

با توجه به حضور جریان‌های روشنفکری کُرد در منطقه در کنار شرایط بین‌المللی در قالب روند جهانی شدن حرکتی را تحت عنوان احقاق حقوق اقوام و با هدف کاستن از اقتدار حکومت‌های مرکزی نشر و گسترش می‌دهد، لزوم توجه هرچه بیشتر به ابعاد مختلف مسائل قومی در جهت دستیابی به همگرایی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. یقیناً اقوامی که طی قرون متمادی در ایران زمین به سر برده‌اند، در صورتی که جایگاه شایسته خود را در روند سیاستگذاری داخلی بیابند، هرگز خواستار جدا سازی خود از مام میهن نخواهند بود.



## منابع و یادداشت‌ها:

- ۱) قدیر نصری مشکینی، "جمعیت و امنیت" (امکانات و موانع پیدایش دولت کُردی در منطقه خاور میانه)، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۷۸، ص ۱۶۲.
- ۲) مجتبی مقصودی، پروژه تحقیقاتی ناهمگونی جمعیتی و توسعه ملی در ایران، تهران، موسسه مطالعات ملی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۰.
- و نیز ن.ک. به: کندال، کُردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، روزبهان، ۱۳۷۰، ص ۸۷.
- ۳) ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی رهبران کُرد و تأثیر آن در بحران کُردستان، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۷۸، ص ۲۷.
- ۴) کندال، همان، ص ۲۶۶.
- ۵) مشکینی، همان، ص ۱۶۲.
- ۶) سیدعلی میرنیا، ایل‌ها و طایفه‌های عشایری ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶.
- ۷) محمد امین زکی، کُرد و کُردستان، مترجم حبیب‌الله تابانی، تهران، نشر آیدین، ۱۳۷۷، ص ۲۸.
- ۸) مقصودی، همان، ص ۱۴۰.
- ۹) رضا ربیعی، تاریخ مفصل ایران، تهران، نشر اقبال، ۱۳۷۳، ص ۹۳.
- ۱۰) وزارت برنامه و بودجه، آمارنامه استان کُردستان، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.
- ۱۱) و. بارتولد، تذکره جغرافیایی تاریخی ایران، ترجمه حمزه سرداور، تهران، نشر توس، ۱۳۷۲، ص ۲۹۸.
- ۱۲) ن.ک. به: علی اکبر وقایع نگار کُردستانی، حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کُردستان، تهران، نشر توکلی، ۱۳۶۴.
- ۱۳) رجوع شود به آمارنامه ۱۳۷۵ استان کُردستان.
- ۱۴) سید یدالله نجفی، جغرافیایی عمومی استان کُردستان تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، صص ۴۵-۴۷.
- ۱۵) حمید احمدی، قوم و قومیت‌گرایی در ایران - افسانه یا واقعیت، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، ص ۸۳.

- ۱۶) و. بارتولد، همان، ص ۲۹۸.
- ۱۷) حسن ارفع، *گردها و یک بررسی تاریخی - سیاسی*، بی جا، بی نا، ۱۹۶۶، صص ۱۸-۱۲.
- ۱۸) واسیلی نیکیتین، *گرد و کردستان*، ترجمه ثمرقازی، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۶۶، ص ۳۸۷.
- ۱۹) رشید یاسمی، *گرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، صص ۱۹۸-۱۹۶.
- ۲۰) نیکیتین، همان، ص ۳۹۶.
- ۲۱) درک کنان، *گرد و کردستان*، ترجمه جواد هاتفی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۷.
- ۲۲) رجوع کنید به: عمر فاروقی، *نگاهی به تاریخ و فرهنگ کردستان*، تهران، انتشارات شرق، ۱۳۶۲.
- ۲۳) خالد توکلی، *کردستان و دوم خرداد*، تهران، نشر فکرنو، ۱۳۷۹، ص ۴۲.
- ۲۴) روزنامه‌های رسمی ۱۳۶۱-۱۳۵۸.
- ۲۵) حمیدرضا جلائی پور، *روزهای داغ در کردستان*، *عصر آزادگان*، ۱۸ فروردین ۱۳۷۹.
- ۲۶) جهت اطلاع بیشتر ن. ک. به: محمود توکلی، *مشارکت و امنیت در کردستان*، دو ماهنامه چشم‌انداز ایران، سال اول، مهر و آبان ۱۳۷۹، شماره ۶.
- ۲۷) مجتبی مقصدی، *زمینه‌های بروز بحران‌های قومی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۱.
- ۲۸) توکلی، همان، ص ۳۵.
- ۲۹) عشیره واژه عربی است که در توصیف سازمان قبیله‌ای به کار برده می‌شود.
- ۳۰) کنان، همان، ص ۴۷.
- ۳۱) رجوع شود به آمارنامه سال ۱۳۷۵ استان کردستان.
- ۳۲) نجفی، همان، صص ۲۲۵ و ۲۲۶.
- ۳۳) *هفته‌نامه سیروان*، پیش شماره ششم، سنندج، تیرماه ۱۳۷۷، ص ۵.
- ۳۴) بهرام امیر احمدیان، *درجه توسعه یافتگی استان‌ها و همسازی ملی در ایران*، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۰۸.

- (۳۵) میرزا شکرالله سنندجی، فخرالکتاب، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کُردستان، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۲۰.
- (۳۶) سنندجی، همان، صص ۲۳ و ۲۴.
- (۳۷) محمد مردوخ، تاریخ کُرد و کُردستان، سنندج، غریقی، ۱۳۵۱، ص ۳۹.
- (۳۸) مسعود چلبی، نگاهی گذرا به قوم کُرد، تهران، موسسه مطالعات ملی، ۱۳۷۸، ص ۲۰.
- (۳۹) الف) چلبی، همان، ص ۲۱، ب) هم چنین ن.ک. به: سنندجی، همان، ص ۲۶.
- (۴۰) کنان، همان، ص ۴۵.
- (۴۱) نیکیتین، همان، صص ۵۳۲ و ۵۳۳.
- (۴۲) در حدود ۵۵٪ از مردم استان آذربایجان غربی کُرد می‌باشند و برحسب آمار سال ۷۵، ۵۰٪ از مردم این استان بی‌سواد می‌باشند.
- (۴۳) رجوع شود به آمارنامه سال ۱۳۷۵ استان کُردستان.
- (۴۴) یاسمی، همان، ص ۱۲۴.
- (۴۵) سنندجی، همان، صص ۳۳ و ۳۴.
- (۴۶) محمدصالح ولیدی، کُردستان، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۰، ص ۱۸۲.
- (۴۷) چلبی، همان، ص ۳۰.
- (۴۸) یاسمی، همان، ص ۱۴۲.
- (۴۹) نیکیتین، همان، ص ۵۳۶.
- (۵۰) محمود افندی بایزیدی، آداب و رسوم کُردان، ترجمه غدیر محمدپور، ۱۳۶۹، ص ۸۳.
- (۵۱) ن.ک. به: حسین زنده دل و دستیاران، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی استان کُردستان، ۱۳۷۵.
- (۵۲) در شاهنامه فردوسی افسانه‌ای درباره ضحاک ماردوش آمده است بنابراین ضحاک از بیماری عجیبی رنج می‌برد بر روی شانه‌های او دو زائده به شکل مار به وجود آمد. شیطان در شکل طیبیب بر او ظاهر شد و درمان درد وی را خوراندن مغز دو جوان بر مارها دانست از آن پس هر روز دو جوان را می‌کشتند و مغز آنان را به مارها می‌دادند. افرادی که مسئول این کار بودند انسان‌های خوش قلبی بودند بنابراین یک نفر را

می‌کشتند و به جای مغز دیگر از مغز گوسفند را استفاده می‌کردند، مردانی که به این تدبیرها می‌شدند به کوهستان‌ها گریختند. فردوسی و بر همین اساس کردها معتقدند از نسل و نژاد این گروه از افراد فراری به کوهستان می‌باشند. که بعدها بر علیه ضحاک شوریدند.

۵۳) هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای ملی، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۷۸،

ص ۲۱۶.

۵۴) زنده دل، همان، صص ۹۶ و ۹۷.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



# گفت و گوی علمی

توسعه سیاسی و

بحران هویت

دکتر حسین بشیریه



پڙهه ښکاري ځايون او علوم انساني او مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني